

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر امکان پذیر است:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام

در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.

ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه

سمراه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به

همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به

شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

♦ تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

ریشه‌یابی لغت عامیانه

(لغت عامیانه «ول»
تغییر یافته چه کلمه‌ای
است؟)

دکتر علی اصغر فیروزنیا

چکیده

استاد مجتبی مینوی، کلمه «ول کردن» را تغییر یافته «بجل کردن» می‌داند. در این نوشتار با ذکر شواهدی نظر ایشان نقض می‌گردد و واژه «بجل کردن» به عنوان ریشه این لغت عامیانه مطرح می‌شود.

از مصدر هلیدن، افعالی در درس «پیدای پنهان» (ادبیات سال دوم دبیرستان) و شعر «کیش مهر» (زبان و ادبیات پیش‌دانشگاهی) آمده است.

کلیدواژه‌ها: ول کردن، بجل کردن، بجل کردن

زنده‌یاد مجتبی مینوی در توضیحات خود بر تصحیح کلیله و دمنه، ریشه لغت عامیانه «ول کردن» را تغییر یافته «بجل کردن» دانسته است:

«لفظ بجل کردن در طول چندین قرن و به کثرت استعمال در فارسی عامیانه و محاوره‌ای بدل به ول کردن به معنی رها کردن و آزاد گذاشتن شده است» (کلیله و دمنه، ۱۳۶۷: ۲۲۱) با تأمل در معنای کلمه مورد نظر و بررسی متون فارسی، نظر ایشان پذیرفتنی نیست.

باید توجه داشت که دو واژه هم‌آوای «بجل» و «بجل» در فارسی با هم اشتباه نشوند.

مثال‌هایی برای کلمه «بجل کردن»:

«مرا بجل کن که در باب تو هر چیزی اندیشیدم و از هر نوع بدگمانی داشت.» (همان)



بجل کردن: حلال کردن؛ کسی را به گناه او نگرفتن و جرم او را بخشودن. جل = حلال.
نه ز خداوند توبه جویی و نه هیچ بخواهی ز مردمان بجلی مستحلا چون شوی تو مست حلی چون که نخواهی از این و زان بجلی هر دو از ناصر خسرو (دیوان چاپ مینوی، ص ۴۴۴ و ۴۴۷ به ترتیب). ر. ک. (همان)
در تاریخ بیهقی نیز آمده است (چاپ فیاض ۱۸۵ و ۵۱۷ به ترتیب):
«دل از جان برداشته‌ام، از عیال و فرزند اندیشه باید داشت و خواجه مرا بجل کند.»
«هین بجل کن مرا زین کار زشت ای کریم و سرور اهل بهشت»

(مثنوی مولوی، دفتر ۳، بیت ۱۶۸۶)
ذکاوتی قراگزلو یادآور شده که نائل خانلری در شرح «سمک عیار»، در تشخیص این دو کلمه هم آوا خطا کرده است: «[خانلری] بجل را تصور کرده است که محرف بهل است (۲۸/۴)؛ در حالی که حل در معنی حلال کردن است و بجل = به حل، به معنی حلال داشتن و روا داشتن به کار می‌رود.» (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۷: ۳۴)

با دقت در مثال‌های مذکور، به برداشتی دیگر می‌رسیم و آن این است که «ول کردن»، تغییر یافته واژه «بهل کردن» است. معنای کلمه «ول کردن» یعنی «رها کردن، آزاد گذاشتن» نیز مؤید نظر ماست. همچنین مخفف کلمه «بهل» یعنی «بل» در فارسی مستعمل بوده که فرایند تغییر آن به کلمه «ول» ممکن تر و پذیرفتنی‌تر است.

کلمه «بهل» که فعل امر مفرد از مصدر «هلیدن/هستن» است در متون فارسی فراوان به کار رفته است. محمد معین نیز لغت «ول» را تغییر یافته واژه «بل» می‌داند که خود، مخفف کلمه «بهل» است:
«بل: bel [= ول. مخفف بهل] (امر از هستن و هلیدن) بگذار، بهل:

مرا گویی بگو حال دل خویش
دلت خونی شود بل با بگویم
(معین، ذیل لغت «بل»)

«بهل: be-hel [هلیدن] دوم شخص مفرد امر حاضر از هلیدن: بگذار. (معین، ذیل لغت «بهل»)
«ول کردن: ول دادن».

(جمالزاده، ۱۳۸۲: ۵۵۲)
«ول دادن: رها کردن، آزاد کردن، آزاد گذاشتن.» (همان) از کلمه «ول»، لغات دیگری به صورت مرکب در زبان فارسی هست. کلمات زیر هم خانواده این

واژه‌اند:

«ولگرد، ولخرج، ولچر، ول گو» ر. ک. (همان، ذیل

همین لغات)

نیما یوشیج نیز فعلی از کلمه عامیانه «ول کردن» را در شعر خود به کار برده است:

«ول کنید اسب مرا

راه توشه سفرم را و نم‌زینم را

و مرا هرزه درا

که خیالی سرکش

به در خانه کشانده است مرا»

(حقوقی، ۱۳۸۴: ۲۹۸)

از مصدر «هلیدن» افعالی در شعر و نثر به کار رفته است:

در «فیه مافیه» از قول مولوی چنین می‌خوانیم:
«خواجeh اش تا به چاشنی منتظر [بود] و بانگ می‌زد که ای غلام بیرون آی. گفت: مرا نمی‌هلند.» (ادبیات فارسی ۲، ۱۳۸۸: ۹۷)

علامه طباطبایی نیز در بیت زیر، فعل امر آن را آورده است:

«پیاپی بکش جام و سرگرم باش

بهل گر بگیرند بیکارها»

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، ۱۳۹۱: ۴۶)
پس، با عنایت به نکاتی که مطرح شد اصح آن است که ریشه کلمه «ول کردن» را «بهل کردن» بدانیم.

منابع

۱. ابوالمعالی، نصرالله منشی. (۱۳۶۷). کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۸۲). فرهنگ لغات عامیانه. چ ۲. تهران: سخن.
۳. حقوقی، محمد. (۱۳۸۴). شعر زمان ما چ ۵، چ ۶. تهران: نگاه.
۴. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۸۷). قصه‌های عامیانه ایرانی. تهران: سخن.
۵. پارسائسب، محمد و دیگران. (۱۳۹۱). زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی. چ ۱۸. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۶. داودی، حسین و دیگران. (۱۳۸۸). ادبیات فارسی ۲. چ ۱۲. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۷. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. چ ۸. تهران: امیرکبیر.